

## اصول محاکمات جزائی

### وظایف ضابطین عدلیه

اولین ضابط عدلیه مستنطق است چه دایره اختیار و سلطه او در تعقیبات جرائم از دیگر ضابطین عدلیه بیشتر است و از این جهت اغلب ابواب و فصول قانون اصول محاکمات جزائی در بیان تکالیف و حدود اختیارات مستنطق راجع به کیفیت تحقیق و تعقیب جرم و طرز استماع شهادت شهود و رویه جلوگیری از قرار متهم و سایر وظایف مستنطق تدوین و تشریح شده و ضابطین دیگر عدلیه میتوانند در امور نامبرده و در مواقعی که قانون تکالیف مفایری برای آنان معین نکرده از همان فصول و ابواب اتخاذ دستور و رویه نمایند چنانکه بعداً بطور تفصیل خواهد آمد

### وظیفه کلانتریها شهر بانی

وظیفه کلانتریها شهر بانی که در غیبت مستنطق مأمور تعقیب امور جزائی هستند در فصل دوم قانون اصول محاکمات جزائی از باب اول و همچنین در قانون متمم اصلاح قانون نامبرده (صفحه ۲۴۵ مجموعه سال ۳۱۱) ملاحظه چنین بیان شده:

در جرائم مشهوده و همچنین در مواردیکه صاحب خانه دخول مأمورین شهر بانی را بخانه خود برای تحقیق جرمی تقاضا نماید نیز در صورتیکه در غیاب مستنطق ممکن باشد علام و آثار جرمی معدوم گردد (هر چند در دو قسم اخیر جرم از جرائم مشهوده نباشد) کلانتریهای شهر بانی مکلفند کلیه اقدامات لازمه را برای جلوگیری از اجزاء اثرات جرم و فرار متهم بنمایند و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم باشد (از قبیل معاینه و بازرسی و تفحص در منزل مجرم و تحصیل آلات و ادوات و اسباب جرم و استنطاق متهم و طرفش و استماع شهادت شهود) تا و رود مستنطق بعمل آورده

و تا وقتیکه مدعی العموم یا مستنطق مداخله نکرده موظفند اقدامات خود را در تعقیب امور جزائی ادامه بدهند و در غیر این سه مورد وظیفه آنان این است که اگر جرم واقع شده در درجه جنایت باشد فوراً بمدعی العموم و اداره شهر بانی اطلاع بدهند و در امور جنحه و خلاف تحقیقات و رسیدگی مقدماتی و صورت مجلس تنظیم نموده و جرمهایی که بدرجه جنحه است نزد مدعی العموم ابتدائی و امور خلاف را نزد امین صالح محل برای تعقیب و رسیدگی می فرستند

مأموریت دیگر کلانتریهای شهر بانی بموجب ماده ۲۱ و ۲۲ قانون اصول محاکمات جزائی اجرای تفیشات و بازرسی محرمانه است نسبت بجرائم باین معنی در وقتیکه علام و آثار وقوع جرمی مشکوک باشد یا باخبار افواهی مأمورین نامبرده مطلع از وقوع جرمی بشوند بالجمله در صورتیکه اطلاعات آنان از منابع صحیحی نباشد لازم است قبل از اطلاع دادن بمقامات لازمه تحقیقاتی در صحت و سقم شایعه (از قبیل تفحص و استعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت باشخاص مظنون) بعمل آورده معلوم نمایند که واقعه روی داده یا نه و اگر اتفاقی افتاده علام و آثار جرمی را داراست یا نه و بعداً نتیجه اطلاعات خود را بمدعی العموم ابتدائی یا مأمور او اطلاع دهند

در صورتیکه مدعی العموم آن اقدامات را کامل نیافت میتواند تکمیل آنها را بخواند در این مورد کلانتریهای شهر بانی مکلفند بدستور مدعی عمومی هرگونه تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم بعمل آورند و هر گاه توقیف متهم برای تعقیب تحقیقات بیش از ۲۴ ساعت لازم باشد باید بمدعی العموم مراتب را اطلاع دهند تا لای الاقتضاء توقیف او را از مستنطق بخواند هر چند محقق نیتام در تفصیلات جرم در کتاب

معروف خود جرم مشهود را از اقسام جرائم ذکر نکرده ولی شبهه و تردیدی در اهمیت آن نیست و از این جهت در تمام قوانین احکام مذکور و آثاری برای آن ذکر شده چنانکه در این مورد نیز ذکر می‌شود از آن بمیان آمده. ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزائی اقسام و شقوقی برای جرم مشهود فرض کرده و ماده ۲۳ قانون متمم همان اقسام را تعدیل نموده و از این جهت در اینجا بطور اجمال و اختصار اشاره با اقسام مذکور و تعدیلات مزبور کرده و تفصیل این موضوع را بطوریکه سزاوار تحقیق و شایسته تدقیق است در مبحث راجع بتکالیف مدعی العموم و مستنطق که بعداً خواهد آمد محول مینمائیم بنابراین این میگوئیم در ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزائی جرائم مشهود را بشش قسم منقسم نموده و در ماده ۲۳ قانون متمم همان اقسام را در پنج قسم درج کرده است

۱ - در صورتیکه جرم در مرئی و منظر مأمورین کشف جرائم واقع شده یا بلافاصله مأمورین مزبور در محل وقوع جرم حاضر شده آثار جرم را فوراً پس از وقوع مشاهده نمایند .

۲ - در صورتیکه دسته یا جماعتیکه ناظر وقوع جرم بوده یا خود مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب معرفی نمایند

۳ - اگر در موقعی نزدیک بزمان وقوع جرم اعلام و آثار واضح یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تلقی اسباب و دلایل مزبور به متهم مزبور محرز شود

۴ - وقتی که متهم در زمان نزدیکی پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوراً پس از آن دستگیر شود

۵ - وقتی که متهم وانگردد باشد

جرم را ننموده اند بلکه بعد از وقوع و پس از اتمام عمل ولی بلافاصله در محل واقعه حاضر شده هر چند جرم در حضور آنان واقع نشده ولی بواسطه معاینه آثار و اعلام جرم و نزدیکی زمان وقوع آن مثل آنستکه وقوع جرم را برای العین مشاهده نموده اند و این قسم نیز نزدیک ترین اقسام است بجرم مشهود حقیقی و از قید بلافاصله در شق اول مستفاد است که مقصود مقنن آنستکه بین وقوع فعل و رسیدن مأمور بمحل باید طوری باشد که آثار جرم سالم مانده و تغییراتی در آن راه نیافته باشد و البته مقداری از وقت که لازمه رسیدن مأمور بمحل حادثه است باید اضافه و منظور گردد اصلاحی که در شق اول مشاهده میشود قید جمله (در مرئی و منظر مأمورین کشف جرائم است) چه عبارت ماده سابق در قانون اصول محاکمات جزائی این بوده (در صورتیکه مجرم در حین ارتکاب یا بلافاصله بعد از ارتکاب دیده شده) و ظاهر آن تعمیم داشته

و بنابراین قیدی که در شق دوم زیاد شده (در صورتیکه دسته یا جماعتی که ناظر وقوع جرم بوده الخ) اگر جرمی را جماعتی نسبت بشخصی دهند بدون آنکه ناظر وقوع جرم بوده باشند چنین نسبتی چون مستند و مقسب بحس و نظر نیست داخل در جرم مشهود و در حکم آن نمی باشد و فقط چنین اخبار و اطلاعاتی مأمورین کشف جرائم را مکلف بیازرسی و تعقیب آن می نماید ولی آثار جرم مشهود بر آن مترتب نیست و این قید در ماده سابق نبوده و از این جهت ماده مزبور اصلاح شده عبارت ماده در سابق قبل از اصلاح این بوده (در مواردیکه مجنی علیه یا مدعی و شهود واقعه مستقیماً شخص مظنون را نشان داده او را مرتکب جرم بدانند)

در شق ۳ و ۴ قید نزدیکی بزمان وقوع در قانون متمم اضافه شده و عبارت ماده در سابق این است (وقتی که متهم یا در خانه او اعلام و آثار واضح جرمی کشف شود در صورتی که معلوم شود که اسباب و دلایل جرم متعلق به متهم است یا نزد او است) و بنابراین در جرات ماده در سابق اگر اعلام و آثار جرم یا اسباب و دلایل جرمی پس از گذشتن

شق اول اظهار افراد جرم مشهود است چه وقتی که مأمورین کشف جرائم در حالت وقوع جرمی حاضر باشند بپس از اطلاع یافتن از جرمی خود را سر بیا بمحل واقعه برسانند و مجرم را در حالتیکه مباشر و مرتکب عمل است مشاهده کنند جرم مزبور در مرئی و منظر آنان واقع شده و اگر در حین ارتکاب مأمورین مزبور مشاهده وقوع

لازمه را در جلو گیری از فرار و اعدام آثار جرم بنمایند ولی حق تفتیش و تحقیق جرم را نداشتند مگر با اجازه کتبی یا شفاهی مدعی العموم اما بعداً در مواد فوق تغییراتی داده شده چه احتیاج بدادن اختیارات بیشتری برای تعقیب امور جزائی با افسران نامبرده احساس گردید از اینجهت در نظامنامه تکالیف افسران امنیه مصوب هیئت وزراء ( صفحه ۷۰ مجموعه ۳۰۷ ) در جرائم مشهوده با افسران امنیه حق معاینه و تفتیش در منزل مجرم و تحصیل و حفظ آلات جرم و استنطاق متهم و طرفش و استماع شهادت شهود داده شد و اخیراً این اختیار بصورت قانون در آمد و در قانون متمم اصلاح قانون اصول محاکمات جزائی مصوب ۲۶ ر ۳۱۱ ماده ۲۸ مقرر گردید ( کاپیه وظایفی که بموجب فصل دوم برای کمیسر های نظامیه مقرر است شامل صاحب منصبان و مامور امنیه نیز خواهد بود ) بنابراین افسران امنیه نیز میتوانند در جرائم مشهوده و در صورتیکه ممکن باشد آثار و علائم جرمی معدوم گردد یا متهم فرار نماید کلیه اقداماتی که برای امور نام برده لازم است و هر تحقیقاتی که برای کشف جرم لازم بدانند تاموقمی که مدعی العموم یا مستنطاق دخالت نکرده معمول دارند .

وظایف کدخدا - امین صلح - مامور صلح

ناحیه - بخش دار ( نایب الحکومه )

در مقاله گذشته اشاره شد که بموجب ماده ۲۷ قانون اصول محاکمات جزائی که ذکر شده بود ( قواعد مقرر در این فصل راجع بکمیسر های نظامیه همچنین شامل کدخدا و اشخاصی است که قائم مقام کمیسر های نظامیه هستند ) کدخدا در ده قائم مقام کلانتری های شهر بانی قرار داده شده بود و در جرائم مشهوده و در موارد نامبرده سابق میتواند رسیدگی کرده - استنطاق متهم و طرفش و استماع شهادت شهود نماید و گزارش خود را بعداً بمراجع معینه برای تعقیب بفرستد ولی ماده فوق تغییر یافت و مطابق ماده ۸ قانون مصوب ۸ ر ۱۰ ر ۳۱۴ ( صفحه ۲۴۴ مجموعه

ماده های متمم مدعی در نزد کسی یا در خانه او یافت می شد میبایست آثار جرم - مشهود بر آن مترتب باشد ولی در قانون متمم شرط شده که آثار و علائم را در زمان نزدیک بوجود جرم در نزد متهم یا خانه او بیابند در آن صورت چنین جرمی در حکم جرم مشهود قرار داده شده بالجمله مقصود از واگرد در شق پنجم کسی است که اقامتگاه دائمی نداشته و در جایی مقیم نبوده مسکن و مایه معینی ندارد

و باید دانست که جرم مشهود حقیقی همان است که در شق اول ذکر شده و اطلاق جرم مشهود به باقی شقوق دیگر که فوقاً ذکر گردید مجاز و از آنجهت است که در احکام و آثار مانند جرم مشهود است نیز باید گفته شود که مراد از صاحب خانه که بدعوت او مأمورین کشف جرائم میتوانند داخل خانه شوند فقط مالک خانه نیست بلکه مقصود بزرگ خانواده است اعم از اینکه مالک باشد یا مستأجر و هرگاه یکی از افراد خانواده تقاضای مزبور را بنماید ورود بخانه برای تفتیش و تحقیق جرم چون دعوت از طرف صاحب خانه نشده جایز نیست ولی در این مقام شرح قانون يك فرض را استثناء نموده اند و آنصورتی است که از درون خانه فریاد و استغاثه کسی را مأمورین کشف جرائم و حافظین امنیت عمومی بشنوند که آنان را بیاری خود طلب می نمایند در این فرض گفته اند که دعوت صاحب خانه دیگر لزومی ندارد و مأمورین مزبور میتوانند بدون دعوت صاحب خانه داخل خانه شده برای تحقیق و تفتیش اقدام نمایند زیرا چه بسا ممکن است در این فرض جرم مشهودی کشف گردد

افسران امنیه

مطابق فصل سیم از باب اول قانون اصول محاکمات جزائی سابقاً وظیفه افسر امنیه از اینجهت که از ضابطین عدلیه اند این بوده و قایمی را که دارای جنبه جنحه و جنایت است بمدعی العموم اطلاع دهند و فقط در صورتیکه تا ورود مدعی العموم و مستنطاق ممکن بود آثار و علائم جرم معدوم شود یا متهم فرار نماید میتوانند اقدامات

همان سال) فقط تکلیف کد خدا از آنجهت که از جانشین و ضابطین عدلیه قرار داده شده همان جلوگیری از فرار متهم و از بین بردن اثرات جرم است دیگر از رسیدگی و تحقیقات در باب جرم واقع شده و دخالت در آن بکلی ممنوع گردید و میباید در اسرع اوقات نتیجه اقدامات خود را بنزدیک ترین پست امنیه یا نایب الحکومه (بخش دار) محل اطلاع تا امر جزائی را که واقع شده آنسان تعقیب نمایند.

در قانون مصوب ۲۴ تیر و ۵ مرداد ۳۰۹ (صفحه ۱۳۳ همان سال) ذکر شده (در جنبه های مهم و جنایات مامور صالح سمت مستنطق را دارد و در مواردی که دلائلی بر فرار متهم یا تبانی یا محو آثار جرم موجود است حتی قرار صدور توقیف را خواهد داشت)

نیز در ماده ۹ همان قانون مقرر گردیده (مامور صالح پس از تحقیقات عقیده خود را ذیل پرونده قید و آنرا نزد مدعی العموم حوزه مأموریت خود ارسال خواهد داشت و هرگاه مدعی العموم تحقیقات مأمور صالح را کامل دانست اقدام مقتضی دایر بمنع تعقیب و یا احاله به محکمه صالحه خواهد نمود و الا برای تکمیل تحقیقات یا بخود مأمور صالح دستور داده یا پرونده را بمستنطق حوزه خود احاله می کند نیز در ماده ۱۳ ذکر شده وزارت عدلیه میتواند بنایب الحکومه سمت مامور صالح را بدهد بنا بر این او نیز در ایفاء این وظیفه از ضابطین عدلیه محسوب و در جنبه های مهم و جنایات سمت مستنطق را خواهد داشت و دارای همان اختیاراتی است که مستنطق در امور جزائی راجع بکشف جرم دارد)

در اینجا یادآوری دو مطلب نیز لازم است - اول آنکه بعضی مأمورین کشف جرائم مانند مستنطق وظیفه و شغل او منحصرأ همان تعقیب امور جزائی و تهیه مقدمات محاکمه راجع بجرمها است و بعضی دیگر مانند نایب الحکومه و غیره ایفاء این وظیفه از جمله مأموریت آنها است قسم اول در صورت تخلف مسئول وزارت عدلیه اند ولی قسم دوم یعنی مأمورین و ضابطین عدلیه که دارای دو جنبه و حیثیت اند و از جهت تکالیف و وظایف دیگر

مسئول وزارتخانه یا ادارات دیگر می باشند در صورت تخلف از اداء مأموریت راجعه بجرمها محاکمه آنان در کدام يك از دو وزارتخانه باید انجام گیرد ماده ۱۳ قانون مصوب تیر ۳۰۹ این مسئله را فقط در باره بخش دار ( نایب الحکومه پیش بینی نموده چه مقرر داشته (وزارت عدلیه مجاز است نایب الحکومه را که شایسته بدانند سمت مأموریت صالح دهد در اینصورت نایب الحکومه در انجام وظایفی که مطابق این قانون بمهده او محول است مسئول وزارت عدلیه بوده و از این حیث تخلفات اداری او با استحضار وزارت داخله در محاکم اداری وزارت عدلیه رسیدگی خواهد شد تجدید نظر از حکم محکمه اداری در محکمه انتظامی بعمل خواهد آمد) ولی نسبت بسایر ضابطین عدلیه که دارای دو جنبه اند این موضوع صریحاً بیان نشده هر چند بطور اجمال ذکر شده که در اجرای مأموریت ضابطین عدلیه در تحت نظارت و هدایت مدعی العموم استیناف اند دوم آنکه قاعده رد حکام آیا نسبت بکلیه ضابطین عدلیه مجری است باز در این باب در ماده ۵۰ قانون اصول محاکمات جزائی درباره مستنطق صریحاً تکلیف معین شده ( ماده ۵۰ هر يك از طرفین متهم و مدعی خصوصی بهمان جهت یا جهاتی که موجب رد حکام عدلیه می باشد میتواند اظهار نامه بخود مستنطق داده و او را رد کنند در این موارد مستنطق خودش نیز باید از اجرای تحقیقات و استنطاقات استنفاء داده مراتب را بمحکمه ابتدائی اطلاع دهد) ولی نسبت بسایر ضابطین عدلیه این موضوع نیز در قوانین پیش بینی نشده و روشن نیست.

در مقاله سابقه مندرجه در شماره ۲۹ همین مجموعه علاوه بر ضابطین عدلیه که در ماده ۱۹ اصول محاکمات جزائی ذکر شده ده مورد ذکر شد که بموجب سایر قوانین و نظامات اشخاص و مقاماتی از ضابطین عدلیه و قائم مقام آنان شمرده شده اند نهایت آنکه مأموریت آنان در موارد خاص و بترتیبات معینه است و اینک دو مورد ذیل را بر حسب استقصاء اخیر بر آن می افزایم.